

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

Pathology of Oversight over Government Financial Contracts in Iran

1. Reza Tajik: PhD Student in Public Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Mohammad Javad Rezaeizadeh*: Associate Professor, Department of Public Law, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: Rezaeizd@ut.ac.ir (Corresponding Author)
3. Alireza Tajarloo: Assistant Professor, Department of Public Law, University of Tehran, Tehran, Iran

ABSTRACT

The present study examines the pathology of oversight over government financial contracts in Iran. Today, a significant range of governmental contracts are concluded and structured within the financial domain—contracts for which the necessity of effective supervision is more critical than in other categories of public contracts. The principal research question may be formulated as follows: What are the most significant challenges confronting the exercise of oversight over government financial contracts in Iran? A preliminary response indicates that issues such as the multiplicity and fragmentation of supervisory authorities, insufficient utilization of modern technologies, the limited role of non-governmental organizations, the lack of efficiency and effectiveness in overseeing financial contracts, and the incomplete performance of supervisory functions by sovereign institutions constitute the primary challenges facing the supervisory regime in this field. The findings and data of the present research demonstrate that the mechanisms governing oversight of government financial contracts within the Iranian legal system are confronted with serious and substantial deficiencies. Adopting a descriptive–analytical methodology, this study seeks to analyze the challenges confronting the supervisory framework governing government financial contracts in Iran.

Keywords: *Oversight; Government Financial Contracts; Government; Public Procurement Transactions.*

How to cite: Tajik, R., Rezaeizadeh, M. J., & Tajarloo, A. (2025). Pathology of Oversight over Government Financial Contracts in Iran. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(3), 368-380.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 18 January 2025
Revise Date: 08 March 2025
Accept Date: 16 March 2025
Publish Date: 23 September 2025



پژوهش‌هاک تطبیقه فقه،

حقوق و سیاست

آسیب شناسی نظارت بر قراردادهای مالی دولت در ایران

۱. رضا تاجیک: دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. محمدجواد رضائی زاده*: دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. پست الکترونیک: Rezaeizd@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)
۳. علیرضا طجریلو: استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر به آسیب شناسی نظارت بر قراردادهای مالی دولت در ایران می‌پردازد. امروزه طیف مهمی از قراردادهای دولتی در حوزه مالی منعقد و تنظیم می‌گردد؛ قراردادهایی که لزوم اعمال نظارت بر آنها بیش از سایر اقسام قراردادهای دولتی می‌باشد. پرسش اصلی پژوهش حاضر را می‌توان چنین مطرح نمود. مهمترین چالش‌های فراروی اعمال نظارت بر قراردادهای مالی دولت در ایران کدامند؟ پاسخی که اجمالا می‌توان داد این است که مواردی همچون تعدد و تکثر مراجع نظارتی، عدم بهره‌گیری کافی از فناوری‌های نوین، نقش آفرینی کمرنگ سازمان‌های مردم‌نهاد، فقدان کارایی و اثر بخشی نظارت بر قراردادهای مالی، انجام کامل امر نظارت از سوی نهادهای حاکمیتی از مهمترین چالش‌های فراروی نظارت بر قراردادهای مالی دولت در ایران به شمار می‌روند. یافته‌ها و داده‌های تحقیق حاضر گویای آن است که سازوکارهای اعمال نظارت بر قراردادهای مالی دولتی در نظام حقوقی ایران با کمبودهای جدی و مهمی مواجه می‌باشد. پژوهش حاضر در صدد است در چارچوب روش توصیفی تحلیلی موضوع چالش‌های فراروی نظام نظارتی حاکم بر قراردادهای مالی دولتی در ایران را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

واژگان کلیدی: نظارت، قراردادهای مالی دولتی، دولت، معاملات دولتی

نحوه استناددهی: تاجیک، رضا، رضائی‌زاده، محمدجواد، و طجریلو، علیرضا. (۱۴۰۴). آسیب شناسی نظارت بر قراردادهای مالی دولت در ایران: تحلیل فقهی و حقوقی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۳۷(۳)، ۳۶۸-۳۸۰.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۹ دی ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۸ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۶ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱ مهر ۱۴۰۴



پژوهش حاضر به آسیب شناسی نظارت بر قراردادهای مالی دولت در ایران می‌پردازد. یکی از اقسام مهم قراردادهای دولت، قراردادهای مالی آن می‌باشد. قراردادهایی که بخش مهمی از، قراردادهای دولت‌ها را تشکیل می‌دهند. " دولت‌ها بزرگترین منبع قدرت و ثروت در جهان به شمار می‌روند. علیرغم تلاش جهانی برای خصوصی سازی و کاهش سهم دولت در تصدی گری، کماکان بیشترین حجم معاملات داخلی و بین‌المللی را چه از لحاظ کمیت و چه از لحاظ قیمت، معاملات دولتی تشکیل می‌دهند. (Habibzadeh, 2019). " دولت و دستگاه‌های دولتی، در اعمال حاکمیت، ملزم به مدیریت و برنامه ریزی کشور، دفاع و حفظ امنیت، اتخاذ تصمیم در امور اقتصادی و بازرگانی، صنعت و معدن، مسکن، کار، تامین نیرو، کشاورزی، ارتباطات، امور بهداشت و درمان و پزشکی، رفاه، تامین اجتماعی، بهزیستی، کار و امور اجتماعی، آموزش و پرورش و آموزش عالی و... در حدود قانون اساسی و مقررات مربوطه هستند و گاه در این امور به انعقاد قرارداد می‌پردازند که که قراردادهای دولتی یا اداری به معنای خاص هستند" (Jafariyan Asal, 2017). قراردادهای مالی دولت ناظر بر آن بخش از قراردادهای دولتی می‌باشند که موضوع آنها رفع حوائج و نیازهای مالی دولت می‌باشد و از این رو احکام، ضوابط و مقررات خاص خود دارد. یکی از موضوعات مهم و محوری در خصوص نظارت بر قراردادهای مالی دولتی چالش‌ها، مشکلات و موانعی است که در ارتباط با اعمال نظارت بر چنین قراردادهای وجود دارد، مشکلات و موانعی که بعضا موجب گردیده است کیفیت نظارت بر قراردادهای مالی دولتی چندان مطلوب نباشد و موجب کم اثر شدن سازوکار نظارتی بر قراردادهای مالی دولت گردد. نظام مالی جمهوری اسلامی ایران، در زمره نظام‌های نظارتی به شمار می‌آید که از تعدد و تکثر نهادها و تشکیلات نظارتی برخوردار می‌باشد اما تعدد و تنوع سازوکارهای نظارتی موجب نگردیده است که از نظام نظارتی کارآمد، پویا و منسجم و اثربخشی بهره مند شویم؛ و از این رو بررسی و تجزیه و تحلیل چالش‌ها و موانع نظارت بر قراردادهای مالی دولت به منظور فهم و درک چرایی و چیستی این چالش‌ها یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. پرسش اساسی پژوهش حاضر این می‌باشد که مهمترین دلایل ناکارآمدی سازوکارهای نظارت بر قراردادهای مالی دولت کدامند؟ پاسخی که اجمالا به ذهن خطور می‌نماید این است که به نظر می‌رسد مهمترین دلایل ناکارآمدی سازوکارهای نظارت بر قراردادهای مالی دولت عبارتند از: تعدد و تکثر مراجع نظارتی، عدم بهره گیری کافی از فناوری‌های نوین، نقش آفرینی کم رنگ سازمان‌های مردم نهاد و عدم ضمانت اجرای کافی در امر نظارت می‌باشد. هرچند پژوهش‌های متعددی در خصوص نظارت بر قراردادهای دولتی به رشته تحریر در آمده است اما باید خاطر نشان سازیم، پژوهش حاضر نخستین کار تحقیقاتی جدی در خصوص آسیب شناسی نظارت بر قراردادهای مالی دولت می‌باشد. پژوهش حاضر در صدد است در چارچوب روش توصیفی تحلیلی موضوع چالش‌ها و موانع پیش روی نظارت بر قراردادهای دولتی را مورد تجزیه و تحلیل و واکاوی قرار دهد. مطالب پژوهش حاضر در ۴ مبحث به صورت تفکیکی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- تعدد و تکثر مراجع نظارتی

یکی از چالش‌ها، مشکلات و موانع فراروی نظام نظارت بر قراردادهای مالی دولت وجود نهادهای نظارتی متعدد و فراوانی می‌باشد که در قوانین و مقررات پراکنده به اعمال نظارت بد قراردادهای مالی دولت می‌پردازند. یکی از مهمترین ویژگی‌های یک نظام نظارتی ناکارآمد وجود نظام نظارتی متعدد و متکثر می‌باشد. " بر این اساس می‌توان گفت که ویژگی‌های نظام نظارتی ناکارآمد عبارتند از: گستردگی و پراکندگی واحدهای نظارتی از بعد ساختاری، تنوع وظایف و اهداف، عدم وجود نظارت در تبادل اطلاعات میان سازمان‌های نظارتی به صورت پویا، عدم وجود همکاری و هماهنگی میان سازمان‌های نظارتی در دسترسی به اهداف، عدم وجود هماهنگی در سیاست گذاری مشترک میان

سازمان‌های نظارتی، تصور وجود دوباره کاری و فعالیت‌های موازی در دستگاه‌های اجرایی و نظارت شوندگان به دلیل تعدد مراکز نظارتی و قوانین حاکم، تصور وجود شکاف عمیق میان سازمان‌های نظارتی و دستگاه‌های اجرایی (نظارت شوندگان) (Mousavi & Mousavi, 2011). تعدد دستگاه‌های نظارتی در صورتی فرصت تلقی می‌شود که وظایف و مسئولیت هر یک از نهادهای نظارتی کاملاً از یکدیگر تفکیک شده باشد. در این صورت، آنچه اتفاق می‌افتد، متمرکز نشدن نظارت در یک سازمان خواهد بود که نتیجه آن، کاهش امکان سواستفاده، فساد اداری و انحراف است. بر عکس اگر تعدد دستگاه‌های نظارتی صرفاً از نظر کمی باشد، بی آنکه رویکردی جامع‌نگر در برابر آنها وجود داشته باشد، احتمال ناکارآمدی و امکان ناپذیری کنترل و نظارت صحیح و کامل امور، مهمترین تهدید پیش رو خواهد بود" (Zarei, 2024). هرچند تعدد نهادهای نظارتی از یک سو موجب نوعی اطمینان خاطر از کیفیت و نحوه انعقاد قراردادهای مالی دولت می‌گردد، اما عدم وجود رویکرد جامع، یکپارچه، و منسجم در خصوص مقوله نظارت بر چنین قراردادهایی منحصرأزمینه و بستر سواستفاده و عدم هماهنگی میان سازوکارهای نظارتی متنوع و گوناگون خواهد شد. متأسفانه یکی از چالش‌های بزرگ و مهم پیش رو نظام نظارتی کشور به طور عام و نظام نظارتی بر قراردادهای مالی دولت به طور خاص وجود تعدد سازوکارها و مراجع نظارتی است. تعدد چنین نهادهای نظارتی موجب گردیده است نتوان یک سازوکار منسجم، جامع و هدفمند در خصوص اعمال نظارت بر قراردادهای مالی دولت بوجود آورد. " تعدد سازمان‌های نظارتی در حوزه قراردادهای مالی دولتی در قوای سه‌گانه و در کنار آن عدم تصویب قانون به منظور ارتباط سیستمی و نظام تبادل اطلاعات و قانونمند میان سازمانهای مذکور، موجب انجام فعالیت‌های موازی، تکراری و پرهزینه شده است. این ناهماهنگی و عدم ارتباط سبب شده است تا حاصل اقدامات و نتیجه فعالیت دستگاه‌های نظارتی، برای یکدیگر قابل بهره‌برداری نباشد. هرچند ارتباط‌های مقطعی و تعریف نشده‌ای وجود دارد که به نظر می‌رسد ناکافی بوده و هدف مورد نظر تامین نمی‌گردد و باید در یک سیستم ارتباطی صحیح، نتایج اقدامات نظارتی هر یک از سازمانهای نظارتی بر اساس یک راهبرد مشخص مورد بهره‌برداری قرار گیرد (Hosseini & Mousavi, 2011). وجود نهادهای متعدد نظارتی موجب ایجاد نوعی موازی کاری و تداخل در انجام وظایف و صلاحیت‌های سازمان‌ها و مراجع نظارتی می‌گردد امری که امر نظارت بر قراردادهای مالی را به موضوعی عبث و بیهوده تبدیل می‌نماید. نظارت زمانی می‌تواند مفید فایده واقع شود که در عمل بازخورد مثبت و ارزشمندی داشته باشد و بتوان به اهداف قانونی تعریف شده نائل گردد. می‌توان چندین سازمان و نهاد نظارتی را در قانون تعریف نمود و برای آنها وظایف و صلاحیت‌های مشخصی را تعریف نمود اما به جهت تداخل در حوزه صلاحیتی و کارکردی چنین نظام نظارتی نتوان به اهداف مقرر و ترسیم شده دست یافت. اما در مقابل می‌توان یک نظام نظارتی واحد، منسجم و جامعی تعریف نمود؛ نظامی که مبتنی بر یک رویکرد کلان بوده، به گونه‌ای که تحقق اهداف نظارتی در اولویت برنامه‌های آن باشد. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و در حوزه نظارت بر قراردادهای مالی چنین سازوکار جامعی وجود ندارد و تعریف نشده است و همین امر موجب ناکارآمدی در امر نظارت بر قراردادهای مالی دولت گردیده است. امروزه مجلس شورای اسلامی بایستی بر حوزه نظارتی خود تمرکز داشته باشد و از تصویب قوانین متعدد در یک حوزه مشخص اجتناب نماید، تا امر نظارت به معنای حقیقی کلمه انجام گیرد.

دستگاه‌ها و نهادهای نظارتی متعددی بر قراردادهای مالی دولت نظارت می‌کنند که عبارتند از دیوان محاسبات کشور، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی، هیات بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین و مقررات عمومی، نهادهای نظارتی مستقر در قوه مجریه و نهادهای نظارتی قوه قضاییه همچون سازمان بازرسی کل کشور و... حجم عظیم و وسیع نهادهای نظارتی بر قراردادهای مالی دولت آنقدر زیاد و گسترده می‌باشند که کارایی و کارآمد امر نظارت مالی بر قراردادهای مالی دولتی را با چالش مهمی مواجه می‌نماید. به عبارت دیگر هرچند

حوزه صلاحیتی نهادهای نظارتی بر قراردادهای مالی دولتی با یکدیگر تا حدودی متفاوت می‌باشد اما متأسفانه در عمل در مواردی همپوشانی میان صلاحیت‌های سازمان‌های نظارتی وجود دارد و همین امر موجب گردیده است نتوان اهداف عالی مقرر برای نظارت بر قراردادهای مالی دولتی را متحقق شده دانست. "تعدد مراجع در یک نظام حقوقی امری اجتناب ناپذیر است؛ به این معنا که با رشد جوامع و پیدایش نیازهای جدید و حجم بالای وظایف قوا، خصوصاً قوه قانونگذار، تشکیل نهادهای خاصی که امور جزئی تر جامعه را پوشش دهند و برای سازماندهی به آنها برنامه ریزی نمایند، امری لازم و مفید است. اما در یک نظام حقوقی منسجم نهادهای خاص به امور مرتبط با اهداف خود می‌پردازند و در کارویژه‌های نهادهای دیگر مداخله نمی‌کنند و باعث آشفتگی نظام حقوقی نمی‌شوند (Moradkhani & Taklou, 2021). مشکل و چالش اصلی تداخل وظایف و صلاحیت‌های سازمان‌ها و نهادهای نظارتی حاکم بر قراردادهای مالی دولت ایجاد آشفتگی در نظام نظارتی کشور و عدم تحقق اهداف مقرر و ترسیم شده برای آنها می‌باشد. هنگامی که چند سازمان و تشکیلات نظارتی وجود داشته باشد اصولاً چنین سازوکاری زمینه و موجب انحراف نهادهای نظارتی از وظایف اصیل خود خواهد گردید و به جای اینکه نظارت بر قراردادهای مالی در مسیر درست و دقیق و شفاف قرار گیرد، این امر سبب ساز بروز اختلافات در حوزه صلاحیتی و کارکردی نهادهای نظارتی بر قراردادهای مالی دولتی خواهد بود.

۲- عدم بهره‌گیری کافی از فناوری‌های نوین

یکی دیگر از چالش‌های مهم ناظر اعمال نظارت بر قراردادهای مالی دولت عدم بهره‌گیری کافی از فناوری‌های نوین می‌باشد. هرچند دولت الکترونیک به عنوان یک الزام مهم در بدنه دستگاه‌های اجرایی کشور در دهه‌های اخیر مورد توجه و تأکید بوده است اما هنوز نتوانسته است به معنای واقعی کلمه به طرز فراگیری مورد توجه و استقبال قرار گیرد و نهادینه شود. "نظارت الکترونیک، یکی از مفاهیم جدید مدیریتی است که به عنوان مفهومی کارآمد در خدمت و تکمیل دولت الکترونیکی بسیار مورد استقبال واقع شده است. برنامه ریزی منابع سازمان، سیستمی است که می‌تواند با نظم دادن یکپارچه به تمامی اطلاعات تولید شده و ثبت، دسته بندی و طبقه بندی، پردازش و ارایه گزارش‌های مدیریتی، تمامی این اطلاعات را در اختیار مدیران قرار دهد تا در نظام برنامه ریزی و نظارت مورد استفاده قرار گیرد. سرعت تحولات و توسعه دانش بشری فرصت تفکر و تدبیر را در زودودن تردید و وسواس می‌رباید. عقب ماندگی از خیل عظیم جهان مجازی، و فوق پیشرفته، خسارانی است که جبران آن بسیار دشوار است." (پورنقدی، ۱۳۹۴: ۸). امروزه بهره‌گیری و استفاده از فناوری‌های نوین و دوری جستن از سازوکارهای نظارتی سنتی به سازوکارهای الکترونیکی نظارت به عنوان یک الزام مهم مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر نمی‌توان همچون گذشته امر نظارت بر قراردادهای مالی دولتی را صرفاً از طریق اعزام حضوری بازرسان به انجام رساند، بلکه باید با تمسک به سازوکارهای الکترونیک نظارت به دنبال حداکثر کارآمدی و کارایی بود. "گسترش روزافزون سیستم‌های اطلاعاتی قابلیت‌های نوینی را در اختیار دولت‌ها قرار داده اند تا بر بستر تکنولوژی دیجیتالی، قابلیت‌های خود را برای گردآوری حجم عظیمی از اطلاعات و تحلیل نظام مند آنها گسترش دهند. این امکان جدید به دولت‌های مدرن قوی قدرت بی سابقه‌ای در جهت جمع آوری و تحلیل داده‌های انبوه اعطا کرده است (Ghaeisari & Aman Kah, 2021). امروزه هرچند تا حدودی نهادهای ناظر بر قراردادهای مالی دولتی از فناوری‌های نوین در جهت سهولت انجام نظارت استفاده می‌کنند اما به نظر می‌رسد هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله داریم.

یکی از سازمان‌ها و تشکیلات مهم نظارتی در نظام جمهوری اسلامی ایران، سازمان بازرسی کل کشور می‌باشد که بر قراردادهای مالی دولت نیز نظارت لازم را اعمال می‌نماید. "از سال ۱۳۸۵ سازمان بازرسی کل کشور همگام با دیگر بخش‌های کشور سعی در الکترونیکی

کردن عملکرد خود نموده که در این راستا اقداماتی نیز صورت گرفته است که بیشتر آنها در مرحله اولیه متوقف شده اند و پاره‌ای نیز با لحاظ مشکلات و موانع در حال اجرا هستند. نکته مشخص این است که بازرسی و نظارت الکترونیکی در ایران دچار چالش‌های جدی و موثر است که بی‌شک پاره‌ای از آنها به دلیل نظام دار و مدون نبودن، از دید و ذهن مسئولین دور مانده است. نظارت الکترونیکی به عنوان یکی از مهمترین ارکان و اهرم‌های دولت الکترونیک می‌باشد که در جهت آرمان کلی دولت الکترونیک بوده و یکی از مهمترین ابزارها در راه دستیابی به اهداف آن می‌باشد. نظارت الکترونیکی با هدف کاهش نظارت و مراجعات حضوری و افزایش استفاده از ارتباطات الکترونیکی به دنبال سازوکارهای مناسب و کارآمد است (Hosseini & Pourfakhrian, 2019).

۳- نقش آفرینی کمرنگ سازمان‌های مردم نهاد

یکی از مهمترین چالش‌های ناظر بر نظارت بر قراردادهای مالی دولت به نقش آفرینی کمرنگ سازمان‌های مردم نهاد بر می‌گردد. " سازمان‌های مردم نهاد، سازمانی با شخصیت حقوقی مستقل، غیر دولتی، غیر انتفاعی، و غیر سیاسی است که برای انجام فعالیت داوطلبانه با گرایش فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، بشردوستانه، و بر اساس قانونمندی، و اساسنامه مدون، رعایت چارچوب قوانین موضوعه کشور، و مفاد آیین نامه‌های اجرایی آن فعالیت می‌کند. سازمان‌های غیر دولتی از مهمترین و موثرترین نهادهای جامعه مدنی به شمار می‌آیند. به ویژه در طول سه دهه گذشته این شخصیت‌های غیر انتفاعی که اعضای آن شهروند یا اجتماعی از شهروندان یک یا چند کشور هستند و نوع فعالیتشان بر حسب خواست جمعی اعضای آن در پاسخ به احتیاجات اعضای جامعه یا جوامعی که سازمان مذکور با آن همکاری می‌کند، تعیین می‌شود (Nezhandi Manesh & Abdollahi Asal, 2015). سازمان‌های مردم نهاد به عنوان یکی از عوامل ایجاد جامعه خودآگاه، روابط میان مردم و دولت را تنظیم و در کنار اصولی نظیر تفکیک قوا و اهرم‌هایی مانند برگزاری انتخابات، به غیر متمرکز ساختن قدرت کمک کرده و به مثابه چشم جامعه مدنی عمل می‌نماید (Sedeghati & Faqih Habibi, 2021). ایران نیز سرانجام، ولی نه به سرعت دیگر کشورها، به لزوم استفاده از این نیروی عظیم در اداره کشور پی برده و در پی استفاده از آن است. وجود دولت بسیار حجیم، با ساختار معیوب و بهره‌وری و اثربخشی پایین نیز از جمله دلایل سوق یافتن ایران به این سمت به رغم میل باطنی در بعضی از دیدگاه‌های رایج مدیریتی، در داخل کشور است. طبق ادبیات موجود ظرفیت استفاده از سازمان‌های مردم نهاد در سطوح مختلفی برنامه ریزی، اجرا و نظارت وجود دارد که در مورد دو سطح اول اقداماتی هرچند اندک صورت پذیرفته است. اما از مهمترین عرصه‌های استفاده از ظرفیت سازمان‌هایی که نسبت به سطوح دیگر مغفول مانده استفاده از سازمان‌های مردم نهاد در نظارت بر عملکرد دولت، در فرایند توسعه است. ناگفته پیداست علیرغم تلاش‌های متعددی در این ارتباط انجام گرفته است هنوز سازمان‌های مردم نهاد نتوانسته در عمل نقش آفرینی کارآمدی در عرصه نظارت بر دولت و به طور خاص نظارت بر قراردادهای مالی دولت ایفا نمایند. هنوز نیز تصمیم سازان و تصمیم گیرندگان در بدنه نظام کلان تصمیم سازی و تصمیم گیری کشور اعم از قوه مقننه، قوه قضاییه و حتی قوه مجریه باور و اعتقاد روشن و شفاف و قطعی در خصوص بهره‌گیری از توانمندی‌های سازمان‌های مردم نهاد در ارتباط با نظارت بر قراردادهای مالی دولتی ندارند و کماکان نقش آفرینی در این حوزه را بر عهده بدنه حاکمیتی کشور و سازمان‌ها و تشکیلات حکومتی و دولتی می‌دانند و تشکیلات و نهاد‌های غیردولتی را در این خصوص واجد نقش نمی‌بینند. چنین رویکردی گویای آن است که جایگاه سازمان‌های مردم نهاد در بدنه نظارتی کشور تکامل و ترقی نداشته است و این موضوع مهمی است که باید به آن توجه داشت. میان آنچه در صحبت و عمل گفته می‌شود فرسنگ‌ها فاصله می‌باشد. هرچند در میان مسئولان امر نیز توافقی در خصوص استفاده از سازوکار سازمان‌های مردم نهاد وجود ندارد. " امروزه سازمان‌های مردم نهاد و غیر دولتی با فعالیت غیر انتفاعی

و داوطلبانه در جهت رفاه و خدمات عمومی به فعالیت می‌پردازند. این سازمان‌ها، شامل جمعیت‌ها، گروه‌ها و نهادهای انسانی خودجوش و برآمده از مردم هستند که مهمترین ویژگی آن‌ها، استقلالشان از دولت است. هدف اصلی از تشکیل این سازمان‌ها رشد و توسعه مشارکت‌های مردمی و غیر دولتی برای بهبود منافع جمعی و تحقق اهداف توسعه است. نقش نهادهای مدنی و مشارکت آن‌ها در شکل دهی سازوکارهای کنترل اجتماعی که با هدف پیشگیری از فساد و مقابله با آن صورت می‌گیرد (Akafi Ghaziani & Mirzadeh, 2014). سازمان‌های مردم نهاد نقش اساسی در مسائل جهانی چون محیط زیست، بهداشت عمومی، حقوق بشر، توسعه و... بازی می‌کنند. تحقیقات زیادی پیرامون نقش آنها در مباحث فوق الذکر به انجام رسیده است. اما شاید موضوعی که کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است، نقش سازمان‌های مردم نهاد در نظارت و بازرسی باشد، که گاهی اوقات با نام‌های گزارشگری شهروندان، بازرسی توسط مردم، و نظارت جامعه مدنی شناخته می‌شود (Keykha, 2022). سازمان‌های مردم نهاد بستر و چارچوب مهمی برای توسعه ظرفیت‌های مهم جامعه مدنی به منظور ارتقای مشارکت مردم در امر نظارت بر قراردادهای مالی که به طور مستقیم پیوند و ارتباط عمیقی با بیت المال و حقوق و منافع عمومی دارد می‌باشند. مهمترین ویژگی که نظارت این سازمان‌ها را از سایر نهادهای نظارتی متمایز می‌سازد وجه غیردولتی و مردمی نظارت اعمالی از سوی سازمان‌های مردم نهاد می‌باشد، نظارتی که هزینه‌ای برای دولت در پی نخواهد داشت و از سوی دیگر به دلیل آنکه در چنین نظارتی منافع و حقوق عامه مردم ملاک و محور اصلی می‌باشد لذا نتایج و داده‌های چنین نظارتی به مراتب بسیار ارزشمند تر و مطلوب تر از نظارت اعمالی از سوی نهادهای نظارتی حکومتی و دولتی می‌باشد. اما تاکنون سازوکار جدی و روشن و شفافی که مبین بهره‌گیری از ظرفیت‌های ارزشمند این تشکل‌های مدنی باشد در قوانین و مقررات موضوعه وجود ندارد و همین امر می‌تواند کارایی و اثر بخشی نظارت‌های دولتی و حکومتی فعلی را به طور جدی زیر سوال ببرد.

۴- فقدان کارایی و اثربخشی نظارت بر قراردادهای مالی

یکی دیگر از مهمترین چالش‌های پیش رو اعمال نظارت بر قراردادهای مالی دولتی فقدان کارایی و اثر بخشی نظارت بر قراردادهای مالی می‌باشد. " تمایز کارایی و اثربخشی را غالباً با جداسازی کار خوب از خوب کارکردن نشان می‌دهند. مفهوم کارایی به شیوه و روش‌های کار بر می‌گردد. در حالی که اثر بخشی با ارزش و نتیجه کار ارتباط دارد (Ghoramalaki & Hosseini, 2012). گام اول برای یک رهیافت اساسی جهت افزایش کارایی دولتی این است که دولت‌ها باید در هر زمان و مکانی نقش خود را با ظرفیت و قابلیت خود هماهنگ کنند. به عبارت بهتر دولت‌ها باید در هر زمان و مکانی نقش خود را با ظرفیت و قابلیت خود هماهنگ کنند به عبارت بهتر دولت‌ها باید متناسب با توان خود در عرصه جامعه دخالت کنند و در پی وضع ساختارهای نهادی و سازمانی و ارائه معیارهایی جهت عرضه کارا و کم هزینه کالاها و خدمات عمومی باشند. در این حالت دولت‌ها باید به جای قطع مداخله باید در پی انجام مداخله یا حداقل سازی هزینه آن باشند (Haghighi, 2018). به نظر می‌رسد یکی از دلایل مهم و اساسی که می‌تواند مبین عدم کارایی و کارآمدی نظارت‌های اعمالی فعلی بر قراردادهای دولتی باشد به وجود فساد و عدم شفافیت در وضعیت فعلی قراردادهای دولتی می‌باشد، امری که می‌تواند به وضوح وضعیت ناکارآمدی نظارت بر قرارداد مالی دولتی را نشان دهد. " یکی از محل‌های تخلف از موازین قانونی و در نتیجه کسب سود از طریق نامشروع و ارتکاب فساد مالی، قراردادهای دولتی است که این مهم دو وجه دارد: قوانین متشتت و ماموران دولتی سو استفاده گر؛ توضیح بیشتر اینکه اگر قوانین تشتت داشته باشد امکان سو استفاده برای ماموران بوجود می‌آید و به طور کلی امکان فساد مالی مهیا می‌شود (Mostafavi Nejad & Kheirallah Porvini, 2022). مراجع نظارتی باید در پرتو اصول، قانونی بودن اجرای مقررات مربوط به تشریفات معاملات و واگذاریها،

همچون نبود تقلب، تدلیس، تبانی، عدم اخذ تضمینات یا تامینات مالی و عدم نظارت بر تحویل به موقع پروژه و سایر تخلفات را رصد کرده و از قانونی بودن برگزاری فرایند معاملات اطمینان یابند. این گونه اقدامات نیازمند وجود زیر ساخت‌های با اهمیتی همچون وجود قوانین و مقررات الزام آور و مناسب، آگاهی و فرهنگ پاسخ گویی عملیاتی در بین مدیران دستگاه‌های اجرایی، وجود بودجه ریزی عملیاتی، گزارشگری عملیاتی مناسب سامانه حسابداری دولتی و موارد دیگر بوده و مطابق با تجربه اغلب کشورها می‌توان پس از فراهم نمودن بستر لازم برای این نوع حسابرسی اقدام نمود. انتظارات مردم از دولت‌ها ارایه خدمات بهتر است و پاسخگویی به این انتظارات منوط به مصرف بهینه منابع مالی و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده است. امروز، صرف تاکید بر کنترل مالی مطرح نیست بلکه برای ارزیابی اثربخشی، کارایی و صرفه اقتصادی اطلاعاتی نیاز است که سیستم حسابداری فعلی پاسخگو نیست (Tajarlou & Behzad Ghorbani, 2022). هرچند نهادهای نظارتی متعددی وجود داشته باشد و سازوکارهای نظارتی مختلفی در نظر گرفته شده باشد اما باید خاطر نشان سازیم خروجی و نتیجه امر نظارت بر قراردادهای مالی دولت مهم می‌باشد. بایستی بررسی نمود آیا به همان میزان که ابزارها و سازوکارهای متنوع نظارتی داریم به همان میزان نیز نظارت ما کارآمد و اثر بخش است و دارای کارایی است؟ آیا دیوان محاسبات، سازمان بازرسی کل کشور و سایر نهادهای نظارتی دیگر در ایفای وظایف نظارتی خود بر قراردادهای مالی دولت موفق بوده اند یا خیر؟ اگر در این مسیر موفقیت چشمگیری وجود می‌داشت اصولاً باید حجم فساد در قراردادهای مالی دولت و امکان سو استفاده در آنها نیز به همان میزان کاهش می‌یافت اما به نظر می‌رسد در واقعیت امر چنین نباشد. به نظر می‌رسد مکانیسم و کیفیت انجام برخی از قراردادهای مالی دولتی و از سوی دیگر عدم نظارت یا نظارت تشریفاتی بر چنین معاملاتی خود زمینه ساز افزایش سو استفاده را فراهم می‌نماید. بایستی چتر نظارت نهادهای نظارتی بدون استثنا و در خصوص کلیه قراردادهای مالی دولتی افزایش یابد تا زمینه ارتقای کارایی و اثر بخشی امر نظارت را فراهم نماید. یکی از حوزه‌هایی که موجب کاهش کارایی و اثر بخشی نظارت بر قراردادهای مالی دولتی گردیده و می‌گردد به مناقصات بر می‌گردد. " به طور کلی هر قدر خریدهای دولتی (اعم از کالا یا خدمات) از روش مناقصه عمومی فاصله می‌گیرند و به سمت مناقصه محدود یا ترک تشریفات مناقصه نزدیک می‌شوند، اعمال نظارت بر فرایند خریدها کم‌رنگ تر شده و احتمال وقوع تبانی قوت بیشتری می‌یابد (Hosseini & Pourfakhrian, 2019). به نظر می‌رسد می‌توان به علل و عوامل دیگری نیز برای ناکارآمدی نظارت بر قراردادهای مالی دولتی اشاره نمود که از جمله آنها می‌توان به عدم استفاده کافی از فناوری‌های نوین در امر نظارت بر قراردادهای مالی دولتی، وجود بوروکراسی اداری گسترده، تعدد مراجع نظارتی و نیز عدم انتشار عمومی و شفاف نتایج نظارت‌های اعمالی بر قراردادهای مالی دولتی اشاره نمود.

۵- انجام کامل امر نظارت از سوی نهادهای حاکمیتی

یکی از چالش‌های مهم و اساسی پیش رو نظام نظارتی بر قراردادهای مالی دولت به انجام کامل امر نظارت از سوی نهادهای حاکمیتی می‌باشد. به عبارت دیگر صفر تا صد نظارت بر قراردادهای مالی دولت از سوی نهادهای حاکمیتی اعم از مجلس، قوه قضاییه و... انجام می‌گیرد چنین امر مفسده‌های زیادی با خود به همراه خواهد داشت. یکی از مهمترین مفسده‌ها در این ارتباط به ناکارآمدی و عدم اثربخشی و کارایی مناسب امر نظارت بر می‌گردد. انجام کلیه مراحل نظارت از سوی نهادهای حاکمیتی موجب می‌گردد به دلایل غیر فنی و غیر علمی امر نظارت کارآمد، اثربخش و موثر بر قراردادهای مالی دولت به خوبی انجام نپذیرد. در ارتباط با نظارت بر قراردادهای مالی دولت چند سازمان و نهاد خاص وجود دارند که همگی در زیر مجموعه نهادهای حاکمیتی قرار می‌گیرند. بایستی با برون سپاری حداقل بخشی از وظایف و صلاحیت‌های نهادهای نظارتی به بخش خصوصی و ارزیابان و حسابرسان مستقل و حرفه‌ای به انجام یک نظارت کامل، موثر و جامع و شفاف و حرفه‌ای

دست یافت. امروزه در بخش غیردولتی و غیر حاکمیتی حسابرسان حرفه‌ای و مستقل وجود دارند که می‌توانند با دقت و حساسیت و بی طرفی بیشتری به نظارت بر قراردادهای مالی دولت بپردازند و نتایج ملموس و عینی تری از کارایی و اثر بخشی امر نظارت را به منصفه ظهور برسانند.

"معاملات دولتی همانند دیگر قراردادها نیست که منعقد کننده آن دو طرف خصوصی داشته باشد؛ بلکه طرف سوم هم هست که حضور آن نامرئی است که مردم آن کشورند به گونه‌ای که نتایج واقعی قرارداد، مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین فساد در قراردادهای دولتی مستقیماً منافع عموم مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ به همین دلیل باید از تمامی ابزارها و راهکارهای لازم برای جلوگیری از فساد بهره جست (Golpour, 2022). بنابراین اعمال نظارت دولتی و حکومتی صرف بر قراردادهای مالی دولتی نمی‌تواند نتایج قابل قبولی در خصوص تحقق یک نظارت کارآمد، موثر و نتیجه بخش و مطلوب به همراه داشته باشد و از این رو باید چنین گفت که استفاده از ظرفیت مردمی و نهادهای مردمی می‌تواند به عنوان یک سازوکار مطلوب نظارتی به شمار آید و بخش مهمی از چالش‌های فعلی اعمال نظارت بر قراردادهای مالی دولتی را مرتفع نماید. بنابراین باید در مسیر تحقق نظارت همگانی گام برداریم." نظارت همگانی نقشی راهبردی در توسعه فرهنگ و پویایی سازمان‌های دولتی دارد. نظارت همگانی به راستی با کمترین هزینه، بیشترین بازدهی و بهره‌وری را به میان می‌آورد و سبب پیشگیری و درمان فساد اداری در سه عرصه رفتار، مالی و حقوقی می‌شود. در رهیافت رسیدن به جامعه‌ای بدون فساد نیز آثار برکات فراوانی از نظارت همگانی حاصل است به گونه‌ای که به حق می‌توان آن را سرمایه اجتماعی خواند (Baba Mohammadi, 2015).

نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین قراردادهای دولتی، قراردادهای مالی دولتی می‌باشد. قراردادهای مالی دولتی به این دلیل که موضوع آن ارتباط مستقیم با حقوق و منافع عمومی شهروندان دارد از این رو اعمال نظارت بر آن نیز حساسیت خاص خود دارد. به عبارت دیگر لزوم اطمینان از انعقاد صحیح و درست قراردادهای مالی دولتی ایجاب می‌نماید مجموعه‌ای جامع، شفاف و قانونمند از سازوکارهای نظارتی وجود داشته باشد. اما ناگفته پیداست صرف وجود نهادها و سازوکارهای نظارتی نمی‌تواند ما را در اجرای یک نظام نظارتی کارآمد و پویا موفق نماید. از این رو آسیب شناسی نظام نظارتی بر قراردادهای مالی یک ضرورت مهم به شمار می‌آید، ضرورتی که ایجاب می‌نماید با چالش‌ها و موانع نظارت بر قراردادهای مالی دولتی آشنا شده و در صدد رفع آنها برآییم. لذا پرسش محوری پژوهش حاضر به شرح ذیل می‌باشد مهمترین چالش‌های فراروی اعمال نظارت بر قراردادهای مالی دولت در ایران کدامند؟ نمی‌توان موارد چالش‌ها و مشکلات پیش روی نظام نظارتی حاکم بر قراردادهای مالی دولتی را دقیقاً روشن نمود اما در عین حال می‌توان پاره‌ای از مهمترین چالش‌ها را برشمرد. به نظر می‌رسد مواردی همچون تعدد و تکثر مراجع نظارتی، عدم بهره‌گیری کافی از فناوری‌های نوین، نقش آفرینی کم‌رنگ سازمانهای مردم نهاد، فقدان کارایی و اثربخشی نظارت بر قراردادهای مالی، انجام کامل امر نظارت از سوی نهادهای حاکمیتی از مهمترین چالش‌های فراروی نظارت بر قراردادهای مالی دولت در ایران به شمار می‌روند. متأسفانه هرچند نهادها و مراجع نظارتی متعدد و بیشماری بر فرایند انعقاد قراردادهای مالی دولتی نظارت می‌نمایند اما تاکنون چنین سازوکارهای نظارتی نتوانسته است به اهداف عالی خود برسد و از سوی دیگر کارایی و اثر بخشی سازوکارهای نظارتی یک عنصر و شاخص مهم به شمار می‌آید امری که تا کنون نتوانسته است به معنای حقیقی کلمه در نظام حقوقی ایران به منصفه ظهور برسد. دلیل واضح و روشنی که در این خصوص می‌توان مطرح نمود این است که وجود برخی از مصادیق مفاسد مالی که عمدتاً در چارچوب قراردادهای مالی دولتی بروز و ظهور می‌یابد می‌تواند گویای لزوم آسیب شناسی جدی سازوکارهای نظارتی ناظر

بر قراردادهای مالی باشد. لذا یافته‌ها و داده‌های تحقیق حاضر گویای آن است که سازوکارهای اعمال نظارت بر قراردادهای مالی دولتی در نظام حقوقی ایران با کمبودهای جدی و مهمی مواجه می‌باشد و بایستی تجدید نظر کلی و اساسی در سازوکارهای نظارتی حاکم بر قراردادهای مالی دولتی انجام گیرد. در پایان به منظور رسیدن به نتایج عینی و ملموس در خصوص موضوع پژوهش حاضر انجام پژوهش‌های میدانی مرتبط با موضوع به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The present study undertakes a systematic pathology of oversight over government financial contracts in Iran, situating the discussion within the broader theoretical and legal framework of public contracts and state financial governance. Government financial contracts constitute a substantial portion of public transactions, and given that governments remain the largest repositories of power and wealth globally—even amid waves of privatization—the volume and value of public procurement and financial dealings remain unparalleled (Habibzadeh, 2019). Within the Iranian constitutional and administrative structure, state organs are entrusted with governance functions across defense, economic management, welfare, health, education, infrastructure, and public services, and frequently resort to contractual mechanisms to implement these mandates; such agreements, in their specific administrative sense, are distinguished by their public character and regulatory framework (Jafariyan Asal, 2017). Financial contracts of the state, which directly concern the procurement, allocation, and management of public funds, are therefore subject to heightened sensitivity because their subject matter implicates public assets and collective rights. Despite the multiplicity of supervisory institutions embedded within the Iranian legal order, persistent deficiencies in effectiveness and coherence raise fundamental concerns regarding the capacity of the existing oversight regime to ensure legality, transparency, and accountability. This study, employing a descriptive–analytical methodology, interrogates the principal causes of inefficiency in the supervisory framework governing such contracts and argues that fragmentation, technological underdevelopment, weak civil participation, limited effectiveness, and excessive concentration of oversight within sovereign institutions collectively undermine the intended regulatory objectives.

A central structural pathology identified in the study is the multiplicity and fragmentation of supervisory authorities. Inefficient oversight systems are frequently characterized by structural dispersion, lack of coordination, absence of dynamic information exchange, duplication of tasks, and policy incoherence among monitoring bodies (Mousavi & Mousavi, 2011). Although, in theory, the existence of multiple oversight institutions may reduce the concentration of power and diminish the risk of corruption if competences are clearly delineated, mere quantitative proliferation without an integrated macro-approach leads to parallelism, overlap, and ultimately dysfunction (Zarei Jahromi, 2024). In the Iranian context, supervisory organs across the three branches of government operate in the absence of a comprehensive statutory mechanism for systematic information sharing and coordinated strategy, resulting in repetitive, costly, and at times contradictory activities (Hosseini &

Mousavi Baigi, 2011). While institutional plurality in a growing legal system is not inherently problematic, coherence demands that each body remain within its defined mandate without encroaching upon others' functions; otherwise, legal disorder and normative ambiguity ensue (Moradkhani & Taklou, 2021). The overlap among bodies such as the Supreme Audit Court, parliamentary commissions, executive oversight units, and judicial inspection authorities has generated both administrative burden and uncertainty regarding ultimate accountability. Consequently, instead of fostering layered protection against misuse of public funds, fragmentation has produced procedural redundancy and diluted responsibility, thereby weakening the capacity to achieve the high objectives originally envisioned for financial oversight.

A second critical deficiency concerns insufficient utilization of modern technologies in supervisory processes. Contemporary administrative theory recognizes electronic oversight as an essential complement to e-government, enabling integrated resource planning, systematic data registration, classification, and managerial reporting, all of which strengthen monitoring capacity (Hosseini & Pourfakhrian, 2019). Digital infrastructures allow states to collect and analyze vast quantities of information, dramatically expanding their ability to perform structured and evidence-based supervision (Ghaeisari & Aman Kah, 2021). However, despite efforts toward digitization within certain institutions—most notably attempts by the national inspection apparatus to electronicize aspects of its performance since the mid-2000s—progress has been uneven and often stalled at preliminary stages (Hosseini & Pourfakhrian, 2019). The persistence of traditional, paper-based, or inspector-dependent monitoring mechanisms constrains real-time auditing, data cross-verification, and early detection of irregularities. Moreover, procurement procedures that deviate from open competitive bidding toward restricted or non-competitive formats significantly weaken oversight intensity and heighten the risk of collusion (Hosseini & Pourfakhrian, 2019). In an era where digital systems can provide traceability, automated compliance checks, and transparent public reporting, the partial and inconsistent integration of technology into oversight of financial contracts represents not merely a technical gap but a structural vulnerability that limits both efficiency and deterrence.

The study further highlights the marginal role of non-governmental organizations and civil society in supervising government financial contracts. Civil society organizations, defined as independent, non-profit, and non-political entities operating within statutory frameworks to advance cultural, social, humanitarian, and developmental objectives, constitute a vital component of modern participatory governance (Nezhandi Manesh & Abdollahi Asal, 2015). By mediating between citizens and the state and contributing to decentralization of power, such organizations function as the “eyes” of society and reinforce accountability mechanisms (Sedeghati & Faqih Habibi, 2021). Their involvement in social control processes aimed at preventing and combating corruption enhances collective interests and participatory oversight (Akafi Ghaziani & Mirzadeh, 2014). Nonetheless, empirical and doctrinal attention to their role in inspection and monitoring—sometimes conceptualized as citizen reporting or societal supervision—remains limited (Keykha, 2022). In Iran, despite rhetorical acknowledgment of the importance of civic engagement, no robust legal framework institutionalizes NGO participation in monitoring state financial contracts. As a result, oversight remains predominantly governmental, depriving the system of low-cost, independent, and socially embedded monitoring that could strengthen legitimacy and responsiveness. The underutilization of civil society capacity thus perpetuates a centralized model of supervision that is less adaptive and less reflective of public concerns regarding the protection of public funds.

Another major pathology concerns the lack of efficiency and effectiveness in current oversight practices. Conceptually, efficiency pertains to methods and processes, whereas effectiveness

concerns outcomes and the achievement of intended objectives (Ghoramalaki & Hosseini, 2012). Governments must align their interventionist roles with institutional capacities and design structures capable of delivering public goods in a cost-effective manner (Haghighi, 2018). Yet the persistence of corruption and irregularities within public contracts suggests a disconnect between formal supervisory mechanisms and tangible results. Fragmented legislation and opportunistic officials create fertile ground for financial misconduct, particularly when regulatory ambiguity enables discretionary abuse (Mostafavi Nejad & Kheirallah Porvini, 2022). Effective oversight presupposes operational budgeting, adequate governmental accounting systems, enforceable regulations, and a culture of accountability capable of generating evaluative data beyond mere financial control (Tajarlou & Behzad Ghorbani, 2022). However, the mere presence of multiple supervisory bodies does not guarantee reduced corruption; rather, without demonstrable impact on malpractice and misuse, oversight risks degenerating into a formalistic exercise. The phenomenon is especially acute where deviations from transparent procurement procedures weaken scrutiny (Hosseini & Pourfakhrian, 2019). Ultimately, as government contracts directly affect invisible third parties—the citizenry—any corruption therein undermines collective welfare and demands comprehensive preventive measures (Golpour, 2022). The strategic value of generalized, participatory oversight lies in its capacity to cultivate organizational dynamism and prevent corruption across behavioral, financial, and legal dimensions (Baba Mohammadi, 2015).

In conclusion, the pathology of oversight over government financial contracts in Iran reveals a structural paradox: an abundance of supervisory institutions coexists with persistent concerns regarding coherence, technological modernization, civic participation, and measurable effectiveness. The concentration of oversight functions within sovereign bodies, without meaningful delegation to independent professional auditors or structured civil participation, has limited innovation and diluted accountability. The fragmentation of mandates, insufficient digital integration, marginalization of NGOs, and gaps between procedural control and substantive outcomes collectively demonstrate the necessity of comprehensive reform. A reconfigured oversight architecture—one that integrates coordinated institutional mandates, advanced technological infrastructures, participatory mechanisms, and outcome-oriented evaluation—appears indispensable for ensuring that financial contracts genuinely serve the public interest and safeguard public resources.

References

- Akafi Ghaziani, M., & Mirzadeh, M. R. (2014). The Role of NGOs in Preventing and Combating Administrative Corruption in the Executive Bodies of Sistan and Baluchestan Province. *Journal of Knowledge Assessment*, 6(19).
- Baba Mohammadi, M. (2015). Public Supervision: A Different and Comprehensive Approach to Combating Corruption. *Journal of Knowledge Assessment*, 7(26).
- Ghaeisari, N., & Aman Kah, S. (2021). Information Technologies and the Expansion of Governance Capacities of Modern States Based on Persuasion and Soft Power. *Scientific Quarterly Journal of Soft Power Studies*, 11(2).
- Ghoramalaki, A. F., & Hosseini, S. M. (2012). Efficiency and Effectiveness in Ethics Education Programs in Organizations. *Scientific Research Journal of Ethics Research*, 5(17).
- Golpour, H. R. (2022). The Role of Transparency and Accountability in Combating Corruption in Government Transactions. *Scientific Quarterly Journal of Supervision and Inspection*, 16(60).
- Habibzadeh, M. K. (2019). Principles Governing Public Contracts (Government Contracts).
- Haghighi, M. (2018). Components of Government Efficiency in Effective Financial Supervision and Reducing Financial Crimes and Violations in Executive Bodies. *Journal of Knowledge in Auditing*, 18(72).
- Hosseini, L., & Pourfakhrian, P. (2019). Investigating Solutions to Combat Corruption in Government Tenders. *Journal of Legal Research*(40).

- Hosseini, S. H., & Mousavi Baigi, S. A. (2011). Supervisory Institutions Governing Government Financial Contracts and Their Challenges. *Biannual Journal of Monetary and Financial Economics (formerly Knowledge and Development)*, 1(1).
- Jafariyan Asal, J. (2017). *Analysis of the Provisions of Public Contracts Compared to Private Contracts*. Ghanoon Yar Publications.
- Keykha, A. (2022). Feasibility of Utilizing the Capacity of NGOs in Supervision and Inspection.
- Moradkhani, F., & Taklou, S. (2021). Multiplicity of Legislative Bodies with Emphasis on the Position of the Supreme Council of Cyberspace Decisions in the Legal System of Iran. *Scientific Journal of Comparative Law Studies*, 12(22).
- Mostafavi Nejad, S. S., & Kheirallah Porvini, K. (2022). Financial Corruption and Transparency-Enhancing Mechanisms in Executive Bodies. *Scientific Research Quarterly Journal of Public Law*, 24(77).
- Mousavi, S. F., & Mousavi, S. M. (2011). Multiplicity of Supervisory Bodies: Opportunity or Threat. *Quarterly Journal of Knowledge Assessment*, 3(7).
- Nezhandi Manesh, H., & Abdollahi Asal, S. K. (2015). National Conference on the Clarification of Citizen Rights.
- Sedeghati, K., & Faqih Habibi, A. (2021). The Administrative Organization of Mosques and the Indicators of NGOs in the Legal System of Iran: Conflict or Concurrence? *Scientific Quarterly Journal of Public Law Research*, 23(77).
- Tajarlou, R., & Behzad Ghorbani, D. (2022). *New Principles Governing Health Promotion in Government Transactions: A Brief Overview of the Legal System in Iran and the OECD*. Majd Publications.
- Zarei Jahromi, A. A. (2024). Investigating Supervisory Bodies in Iran with Emphasis on the Quality Revolution Philosophy. *Scientific Quarterly Journal of New Administrative Law Research*, 6(20).